

باقی سمندر

میزان/مهر ماه سال ۱۳۹۰ خورشیدی

اکتوبر سال ۲۰۱۱ میلادی

سخنی با آقای یون

سلام به خوانندگان ارجمند

پیش از همه جمله ای را از کابل پرس در آغاز این نوشته مینویسم و سخنم را با همین سخن کابل پرس می آغازم:

«سانسور - «حقایق و اندیشه ها سانسور میشوند»
آزادی ها ، حرف ها ، نوشته ها- حقایق و اندیشه ها سانسور میشوند ، تضمینی برای آزادی بیان وجود ندارد

. علیه سانسور رسانه ای و نقض آزادی بیان پیا خیزید «

اگر در افغانستان استبداد و تفتیش عقاید و سانسور وجود نمیداشت و مردم میتوانستند در پرتو آزادی گفتار و بیان صد سال پیش از امروز یا در زمان شمس النهار در وقت شیر علی خان - یا سراج الاخبار در وقت امیر حبیب الله خان فرزند امیر عبدالرحمن خان بنویسند - امروز وضعیت دیگری میداشتیم و شاید در افغانستان مشکل دولت ملت اصلن وجود نمیداشت .

تبصره آقای یون را در کابل پرس خواندم و من در مورد تبصره آقای یون هم تبصره یی دارم .
آقای یون نوشته اندکه :

زه تر ډیر حده بڼاغلی بهمن سره موافق یم خو لیکن خبره داده چه :»
که چیرې بحث ډېر سیاسي نه شي دومره به وایم چی خلکو ته سیاسي شعور ورکول ډېر ضرور دي، په دی برخه کی د رسنیو ونډه زیاته ده، مور نه شو کولای د خپلو خلکو سترگی پتی وساتو، خو دا شعور ورکول باید په معقوله بڼه ترسره شی، د ملت جوړونې حس باید په ټولو افغانانو کی غښتلی شي، ډېر لاسونه په مور کی کار کوي، چې د قبیلو او قومونو ترمنځ تفرقه اچوي، خو د یووالي لپاره هم هڅې په کار دي. یو تریخ حقیقت چی باید وویل شی دا دی چی پښتنو خپله خپل حقوق په سمه توگه نه دي پېژندلی، که پېژندلی یی هم دی، د ترلاسه کولو لپاره یی اقدام نه «

(تکیه زیر کلمات از من است - باقی سمندر)

آقای یون !

این درست است که بایست برای خلق شعور سیاسی بدهید اما فراموش ننمایید که یک اصل جامعه شناسی اینست که « محیط اجتماعی تعیین کننده شعور انسان است » سرحدات موجود در افغانستان - سرحدات استعماری است که در سالهای امارت امیر عبدالرحمن

فرزند افضل خان توسط استعمار آنروزه روسیه تزاری و استعمار بریتانیای کبیر کشیده شده و در طی صد و سی سال همین طور است. شعور اجتماعی انسانهای که چار و ناچار در افغانستان زندگی نموده اندومینمایند در همین افغانستان شکل گرفته است. شعور انسانهای بی در نیم قاره هند در همانجا شکل گرفته است و از مردم آسیای میانه و ترکستان چین و روسیه هم در همین سال ها بارها شکل گرفته است. تغییر در مناسبات اقتصادی – سیاسی در افغانستان هیچگاه متوازن نبوده است بانهم افغانستان در طی صد سال اخیر از مناسبات پیش مدرن کنده شده و گسست تاریخی و اجتماعی بوجود آمده است. هم پای این تغییرات و تبدلات و تطور در آگاهی اجتماعی افغانستان مسایلی رخداده اند که نیاز به باز نگری دارند. من میدانم که روشنفکران در افغانستان در قدم نخست خود را با هویت کتله پیش مدرن – قومی تعریف مینمایند.

حال چند سوال مشخص از آقای یون در مورد روشنگری!

ایا شما حاضر هستید تا برای خوانندگان مشخص ای که نوشته های شما را بزبان پشتو میخوانند بنویسید که :

از زمان های گذشته تا حال زمامداران افغانستان بزرگترین ظلم را برای همه مردم افغانستان به ویژه برای مردم پشتون روان داشته و مردم پشتون را بسیار عقب نگهداشته اند و با تحمیل ماکیاولیسم در عقب نگهداشتن مردم سهم ای ادا کرده اند؟

از دور اگر نه از نزدیک حرکت نماییم – شاه شجاع کی بود و به زور کی به اقتدار رسید؟

تمام خانه جنگی های افغانستان برای گرفتن قدرت سیاسی را کدام شاهان و شاهزادگان بالای مردم تحمیل کردند؟

امیر عبدالرحمن مرتکب چگونه جنایات شد و چه خیانت هایی را برای مردم افغانستان بویژه مردم پشتون مرتکب شد که تا حال زخم خون چکان دیورند تمام جسم و جان مردم افغانستان را می سوزاند؟

امیر حبیب الله تاچه حد ظلم و ستم روا داشت؟

استقلال سیاسی افغانستان را کی ها با انگلیس ها وجه معامله قرار دادند؟

کی ها در قران کریم امضا کردند تا حبیب الله کله کانی به کابل بیاید و کی ها وی و دوستانش را کشتند؟

کی ها محمد نادر شاه را به قدرت رسانیدند و چه تعهداتی با انگلیس ها داشتند؟

محمد گل خان مومند چه ستم هایی را برگردانده مردم رو داشت؟

محمود طرزی را کی ها از افغانستان تبعید کردند؟

محی الدین انیس را کی ها به زندان انداختند؟

در افغانستان کی ها در راس قدرت قرار داشته اند و تاحال باعث شده اند که بسا از مردم دارای زندگی قومی و قبیلوی باشند و از زندگی شهری و حق و حقوق شهروندی نمیدانند؟ اگر حق و حقوق شهروندی در افغانستان پذیرفته گردد - و همه خود را شهر وند افغانستان بدانند نه کم و نه زیاد و برابری و عدالت اجتماعی در افغانستان تامین گردد - یگ گام به پیش خواهد بود .

با نقد صریح دو قرن اخیر میتوان خود را برای زندگی نمودن در قرن بیست و یک آماده ساخت . دنیا گپ های از پسا مدرن دارد و ما تهنوز در پای پیچ پیش مدرن و زندگی قومی و قبیلوی گرفتار مانده ایم .

بدون انتقاد صریح و آشکار از مناسبات سیاسی - فرهنگی - اقتصادی و نظامی موجود به مشکل خواهیم توانست - گامهای استوار بسوی مدنی بودن و مدنی شدن برداریم .

در سعودی و کشورهای خلیج همه آثار مدرن به چشم میخورند اما افکار پیش مدرن در زندگی جامعه نقش اصلی و تعیین کننده دارد .

اقای یون !

یکبار از افکار پیش مدرن نقدی بدست بدهید و همه مردم افغانستان را در عمل با خود برابر حساب کنید بعدن برادری گپ دیگر خواهد بود.

سو تفاهمات را بایست روشنفکران گروه فشری برتری طلب و شوینیست برطرف سازند و برتری طلبی و شوینیسم را نقد نمایند - تادیده شود که روشنگری چه خواهد شد !

بسا از روشنفکران پشتون را میشناسم که برضد انواع ظلم و ستم ستمگران مبارزه نموده اند اما اینها در اقلیت قرار دارند .

بحث در مورد طالبان - حزب اسلامی و ایالات متحده امریکا و ناتو و متحدین را در بخش دیگر مطرح میسازم . همینطور بحث در مورد دولت های همسایه و کشورهای منطقه را .

بحث شعور و آگاهی سیاسی را در رابطه به شعور و آگاهی ملی و منافع ملی در بخشهای بعدی مطرح مینمایم .

برای بوجود آوردن اعتماد بایست همه زمینه های بی اعتمادی مورد نقد صریح قرار گیرند،

اقای بهمن !

من در مورد نوشته آقای یون باز هم گفتنی هایی دارم و این پیش درآمد بحث باشد،

یار زنده و صحبت باقی ،